



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱-۱۸

برگزیت و «روابط خاص» در پرتو ایده بریتانیای جهانی

علیرضا قدر دوست‌نخچی^۱

مهدی ذاکریان‌امیری^۲

حمید احمدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

چکیده

نتایج همه‌پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شوکی بزرگ به اروپا و سایر نقاط جهان وارد آورد. در این همه‌پرسی ۵۲ درصد از رأی دهندگان به جدایی رأی دادند تا بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج شود. با توجه به نوع، شکل و ماهیت روابط بریتانیا با سایر کشورها، میزان تأثیرپذیرشان از این همه‌پرسی شایان توجه است. همچنین این خروج تلاش‌های فراوان صورت گرفته در خصوص همگرایی در اتحادیه اروپا را زیر سؤال برده است. شرایط در حال تغییر جهان، ظهور چین و اقدامات روسیه اتخاذ موضع واحد از سوی کشورهای اروپایی در قبال معادلات بین‌المللی را با چالش مواجه خواهد کرد. در آن سوی آتلانتیک ظهور «پدیده ترامپ» در سال ۲۰۱۶ در آمریکا بیش از هر زمان دیگری شکل «رابطه خاص» و روابط آمریکا و اتحادیه اروپا را دستخوش تغییر کرد. با نهای شدن برگزیت، ایده «بریتانیای جهانی» بیش از پیش بر نقش‌آفرینی بریتانیا تأکید دارد. در این ایده نقش بریتانیای بدون اتحادیه اروپا برجسته شده است و امکان بازیگری فعال را به آن کشور می‌دهد. این پژوهش با تکیه بر نظریه همگرایی به دنبال پاسخ به این سوال است که در پسابرگزیت تا چه اندازه شاهد نزدیکی آمریکا و بریتانیا خواهیم بود؟ یافته‌ها حاکی از آن است که در دوران پسابرگزیت روابط دو کشور نزدیکتر خواهد شد و بریتانیا برای رسیدن به اهداف «بریتانیای جهانی» خود نیاز به آمریکا دارد.

کلمات کلیدی

برگزیت، بریتانیا، اتحادیه اروپا، رابطه خاص، بریتانیای جهانی

۱- دانشجوی دوره دکتری روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. alirezanzakhchi@yahoo.com

۲- دانشیار دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) m-zakerian@srbiau.ac.ir

۳- استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران. h.ahmadi@ut.ac.ir

مقدمه

پیش از همه پرسای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، زمینه‌های آن با رشد احزاب دست‌راستی کلید زده شده بود. ارتقا جایگاه احزابی نظیر حزب استقلال بریتانیا^۱ که مخالف صریح هرگونه هماهنگی با اتحادیه اروپا است و افزایش مخالفت‌های روزافزون با سیل مهاجران، در کنار موفقیت‌های احزاب راست در نقاط مختلف قاره سبز باعث شد که مردم بریتانیا بدون توجه به تبعات ناشناخته آن خروج از اتحادیه اروپا را انتخاب کنند. حال با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، آینده «روابط خاص»^۲ بین آمریکا و بریتانیا، چگونه خواهد بود و بدون اتحادیه اروپا، بریتانیا چگونه می‌تواند جایگاه خود را در جهان حفظ و تحکیم نماید.

تبعات خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به گونه‌ای است که با توجه به وضعیت بریتانیا در اروپا و در جهان، تنها محدود به موقعیت جزیره‌ای آن کشور نیست. با نهای شدن خروج، اینک مرز خارجی اتحادیه اروپا از ایرلند می‌گذرد. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که مقر شصت درصد شرکت‌های غیر اروپایی که در اروپا فعالیت می‌کنند، در انگلستان است و برآوردها حکایت از خسارت یکصد میلیارد پوندی به بخش تولید دارد. ابهام در خصوص آینده برگزیت بسیاری از شرکت‌های بزرگ را بر آن داشته تا دفتر اروپایی خود را به همراه سرمایه به سایر کشورها منتقل کنند. (Congressional Research Service, 2020:7)

پس از جنگ جهانی دوم سیاست خارجی انگلستان پیگیری رویکرد فعال مداخله‌گرایی، حفظ ائتلاف مستحکم با آمریکا در غالب «روابط خاص» و تلاش برای قراردادن انگلستان در قلب اتحادیه اروپا بود. هرچند از ابتدای تشکیل اتحادیه اروپا، بریتانیا نظر مساعدی نسبت به آن نداشت و عمدتاً برای بهره بردن از منابع اقتصادی آن روبرو سوی اتحادیه آورده بود. به دلیل موقعیت و نفوذ بریتانیا، تقریباً همه کشورها منتظر دوران پساب‌گزیت هستند. خروج بریتانیا از اتحادیه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی نیز حائز اهمیت است، زیرا بریتانیا به عنوان کشوری تاثیرگذار در جهان از اتحادیه اروپا جدا شده و اینک اعتبارش بعنوان یکی از بازیگران کلیدی نظام بین‌الملل را با چالش مواجه خواهد کرد.

اروپا با مسائلی همچون رشد روزافزون تروریسم، افزایش نفوذ احزاب راست‌گرا، کاهش ارزش یورو در برابر سایر ارزهای مطرح در جهان، مشکلات اقتصادی، تنش با روسیه بخصوص پس از بحران کریمه و... دست به گریبان است که خروج بریتانیا از بین آنها بر عملکرد اتحادیه اروپا تاثیر دارد. لذا می‌توان گفت که این خروج علاوه بر بریتانیا، اتحادیه را نیز تحت تاثیر قرار داده است. اتحادیه اروپا با خروج دومین قدرت اقتصادی اروپا، چهارمین قدرت اقتصادی جهان و یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، اصلی‌ترین ستون نظامی خود را از دست خواهد داد که این امر می‌تواند در حوزه مسایل امنیتی،

برگزیت و «روابط خاص» در بر توایده بریتانیای جهانی / قدر دوست نخچی، ذاکریان امیری و احمدی

اقتصادی و سیاسی اثرگذار شود. در این بین پیشبرد استراتژی‌های دفاعی تدوینی در سال ۲۰۱۶ از سوی سران اتحادیه اروپا در خصوص مقابله با معضلات امنیتی جهان نیز نیاز به بازبینی دارد.

بریتانیایی‌ها از ابتدای حضور در اتحادیه اروپا تلاش کرده‌اند تا همچنان کنترل بسیاری از سیاست‌های ملی خود را حفظ کنند و خود را بطور کامل متعهد به همگرایی اروپایی نکرده‌اند. بریتانیا همچنین در اکثر زمینه‌ها رویه‌های ملی خود را حفظ کرده بطوریکه همچنان از پیوستن به نظام یورو خودداری کرده، به عنوان آخرین کشور به منشور اجتماعی پیوسته، عضو پیمان شنگن نیست و همچنان معتقد به کنترل رفت و آمد شهروندان است. (مشیرزاده و همویی، ۱۳۹۱: ۲)

در این بین ایده بریتانیای جهانی از سوی موافقان خروج به عنوان راهبرد جدید بریتانیا برگزیده شده تا با تکیه به آن علاوه بر بازبایی قدرت گذشته بتواند در معادلات جهانی هم تاثیرگذار باشد. با وجود ابعاد پرابهام برگزیت و بریتانیای جهانی، موافقان خروج از آن به عنوان دستاوردی برای بازبایی کنترل و افزایش نقش جهانی بریتانیا تاکید دارند.

(<https://www.conservatives.com/news/uk-eu-trade-deal-secured>)

روش پژوهش این تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب از طریق بررسی اسناد و کتابخانه‌ای است. در این تحقیق سعی شده که از منابع دست اول استفاده گردد اما با توجه به در جریان بودن و آینده نامعلوم تبعات برگزیت کاری سخت و دشوار بود. به طوری که بررسی برگزیت همچون بررسی هدفی متحرک است که هر لحظه در جایی قرار دارد. در این مقاله پس از تبیین مبنای نظری پژوهش، به ارائه مطالب پرداخته و در نهایت در نتیجه گیری به جمع بندی مطالب پرداختیم.

پیشینه پژوهش

عمده کتابهای نگاشته شده به زبان فارسی بر آینده حقوقی و قراردادهای منعقد شده بین انگلستان و اتحادیه اروپا متمرکز بوده است. از سوی دیگر به دلیل نامشخص بودن تبعات این خروج، عمده مطالب به بررسی‌های تاریخی به خصوص نحوه عضویت و شرایط خروج می‌پردازد. همچنین برخی نوشته‌ها به موضوع رابطه ایران و اروپا و ایران و انگلستان می‌پردازد.

عمده‌ترین کتاب در خصوص آینده اتحادیه اروپا به زبان فارسی «اروپا ۲۰۳۰؛ آینده پژوهی ساختار اتحادیه اروپا بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۳۰» است. مهدی خانعلی‌زاده در این کتاب، ضمن بررسی نحوه تشکیل اتحادیه اروپا به این موضوع می‌پردازد که رخداد حوادث در شرق اروپا و بحران کریمه در کنار بالا گرفتن بحران در رابطه با مسکو بخصوص در تامین انرژی از مشکلات جدی و فراگیری است که سران

اتحادیه اروپا با آن دست به گریبان هستند. همچنین به باور نویسندگان عدم قاطعیت در تصمیم‌گیری به ایده همگرایی در اتحادیه ضربه می‌زند. از آنجائیکه این کتاب پیش از نهایی شدن برگزیت نگاشته شده است، صرفاً با توجه به ساختارهای اتحادیه به ترسیم آینده پرداخته است.

صالحی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «تاثیر برگزیت بر سیاست داخلی و خارجی انگلیس» به بحران مهاجرت و سیاست‌های بریتانیا پس از برگزیت اشاره دارد. نویسندگان در این مقاله که در فصلنامه راهبرد سیاسی منتشر شده است معتقدند سیاست معطوف به خروج تحت تاثیر سه عامل تقابل تاریخی- فرهنگی این دولت با اتحادیه اروپا، مواضع انتخاباتی دیوید کامرون نخست وزیر سابق از حزب محافظه‌کار و بحران مهاجرات قرار داشته که این خروج پیامدهای متعددی را در ابعاد اقتصادی، تجاری و نیروی کار برای انگلیس به همراه داشته است. با این وجود نویسندگان به ایده بریتانیای جهانی و تبعات آن در سیاست داخلی و خارجی نپرداخته‌اند.

ویل پودمور^۲ در کتاب «برگزیت: راهی به سوی آزادی»^۴ که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده معتقد است که بریتانیا می‌بایست از فرصت برگزیت استفاده کند. این کتاب با تکیه بر اقتصاد سیاسی و برجسته کردن وضعیت اقتصادی بریتانیا و بررسی نرخ رشد بر این باور است که رای به خروج به نفع اقتصاد بریتانیا است. این کتاب چنین نتیجه می‌گیرد که تنها راه نجات اقتصاد بریتانیا یافتن راهی مستقل از اروپا است تا بتوان بر بحران‌های پیش روی در زمینه اقتصادی و سایر زمینه‌ها فائق آمد. نویسندگان صرفاً به موقعیت بریتانیا توجه داشته و به همکاری‌های اقتصادی و امنیتی بریتانیا با ایالات متحده توجه ننموده است.

هارولد کلارک و همکاران^۵ در کتاب «برگزیت: چرا بریتانیایی‌ها به خروج رای دادند؟»^۶ به دنبال پاسخ به این سوال است که چه کسانی، چرا و چگونه رای به خروج دادند؟ وی با ارائه آمار به معرفی رای دهندگان پرداخته است که از جنبه آماری اطلاعات خوبی ارائه می‌دهد. با این حال در خصوص دوران پسابرزیت صحبتی نکرده است.

اندیشکده چتم هاوس در «روابط فرآتلانتیک؛ همگرایی یا واگرایی»^۷ در سال ۲۰۱۸ به پیشینه روابط فرآتلانتیک و همکاری‌های گسترده اروپا، بریتانیا و آمریکا پرداخته و نویسندگان معتقدند که علیرغم همکاری در برخی زمینه‌ها بین اروپا و ایالات متحده آمریکا همچون جنگ علیه تروریسم، در برخی زمینه‌ها همچون حمله به عراق در ۲۰۰۳ و همچنین نحوه و سازوکار حمله به لیبی در ۲۰۱۱، چگونگی تعامل با روسیه و چین بین آمریکا و اروپا اختلاف نظر وجود دارد.

ربه‌کا آدلر نیسن و همکاران^۸ در ۲۰۱۷ در ویژه نامه برگزیت مجله روابط بین‌الملل و سیاست بریتانیا با عنوان «پسابرزیت در خارج از انگلستان»^۹ معتقدند که برگزیت از سه جنبه حائز اهمیت است. نخست

برگزیت و «روابط خاص» در بر توایده بریتانیای جهانی / قدر دوست نخچی، ذاکریان امیری و احمدی

از نظر هویتی که وضعیت جامعه انگلستان را مشخص کرد، دوم اینکه برگزیت تصورات ژئوپلیتیک و همینطور نفوذ دیپلماتیک را نشان داد و سوم آنکه از نظر اقتصاد جهانی برگزیت چگونه می‌تواند پاسخگو باشد. از نظر موافقان، برگزیت به «بریتانیای جهانی»^{۱۰} کمک خواهد کرد. بریتانیایی که آزادانه و بدون محدودیت می‌تواند با کشورهای مختلف رابطه داشته باشد.

با توجه به نو بودن موضوع و در جریان بودن روند برگزیت، پژوهشگر با بهره‌گیری از منابع دست اول، به تأثیرات این جدایی بر امنیت ایران در وهله نخست، سپس تأثیر روابط بریتانیا با آمریکا در سایه «رابطه خاص» و ارتباطات دو سوی آتلانتیک بپردازد. با بررسی به عمل آمده در این باره، مطلب مشابهی دیده نشد.

چارچوب مفهومی و مبانی نظری

وحدت منطقه‌ای ریشه‌ای طولانی در اندیشه‌های آرمانگرایان دارد. به باور افلاطون طبیعت ناتوان انسان موجب تشکیل جامعه، به منظور همکاری و رفع نیازهای بشری است. ارسطو همکاری و ضدیت انسان‌ها در جامعه نخستین را دلیل شکل‌گیری جامعه می‌داند. به باور ابن خلدون بقای جامعه بدون همکاری و همبستگی و تعاون، امری امکان‌ناپذیر است و نیاز انسان به اجتماع «پس از تأمین نیازهای اولیه مادی، امنیت و در امان بودن از تهدیدات محیط و سلطه است.» (صابری، ۱۳۹۴: ۱۶)

نباید فراموش کرد هرچند ایده همگرایی در اروپا به سال‌های بسیار دور باز می‌گردد اما فرآیند وحدت اروپا به دلیل سابقه تاریخی و غرور کشورها و ملت‌های اروپایی فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است. (ذاکریان، ۱۳۷۸: ۱۰)

تعاریف مختلفی از همگرایی وجود دارد. همگرایی فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف‌نظر و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کند. همچنین انگیزه اصلی دولت‌ها برای چنین همکاری‌های نزدیکی دسترسی آنها به منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به فرآیند همگرایی دست یافتن به آن برایشان غیر ممکن بود. (قوام، ۱۳۹۵: ۲۴۸)

منطقه‌گرایی

بر اساس پارادایم‌های روابط بین‌الملل نظریه‌های منطقه‌گرایی را می‌توان شامل به لیبرالیسم-نولیبرالیسم، واقع‌گرایی-نوواقع‌گرایی، مارکسیسم-نومارکسیسم، سازه‌انگاری و بازاندیش‌گرایی تقسیم کرد. (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۷)

می توان گفت که آغاز فرآیند منطقه‌گرایی با ایجاد منطقه آزاد یا اتحادیه گمرکی برای آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه است. در واقع توسعه منطقه‌گرایی یکی از اشکال کلیدی آزادسازی تجاری است که در مراحل پیشرفته از همکاری تجاری به همکاری‌های اقتصادی و پولی، و سپس به همگرایی سیاسی و امنیتی منتج می‌شود. (موسوی، ۱۳۹۸:۱۲۳)

همچنین منطقه‌گرایی را می‌توان ایجاد تحول در یک منطقه مشخص، از پراکندگی و چنددستگی به همگون شدن و همگرایی، آن هم در رشته‌ای از زمینه‌ها که برجسته‌ترین آنها فرهنگ، امنیت، سیاست‌های اقتصادی و رژیم‌های سیاسی است (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱:۶) دانست. لذا منطقه‌گرایی توجه ویژه به یک منطقه جغرافیایی مشخص که بهترین مکان برای تحقق منافع و ایده‌آل کشورهای مربوط می‌باشد. (سیمبر، ۱۳۸۸:۱۱۴)

تحول در منطقه‌گرایی

پایان جنگ سرد، منطقه‌گرایی را نیز متحول کرد و به نوعی رشد منطقه‌گرایی جدید، از نیمه دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شده است. در نومنطقه‌گرایی نقش دولت-ملت‌ها و واحدهای سیاسی در ساخت فرآیند منطقه‌گرایی تا حدودی به چالش کشیده شده است و بر اهمیت نقش کنش‌گران غیردولتی افزوده شده است. (زارعی و همکاران، ۱۳۹۸:۷۴۸)

با پایان یافتن جنگ سرد نظریات نوین منطقه‌گرایی، در ادامه تئوری‌های ارتباطات در همگرایی منطقه‌ای از دولت‌محوری به سمت فردگرایی و اجتماع مداری حرکت کرد. لذا منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای بیش از آنکه بوسیله نهادهای فوق ملی اروپایی یا دولت‌های مستقل اروپا تعیین شوند، روندی اجتماعی- سیاسی است که از پائین به بالا جریان می‌یابد. (فیروزآبادی، ۱۳۸۹:۱۰۵) طرفداران منطقه‌گرایی بر این باورند که تجانس‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی در کنار مولفه‌های وحدت‌بخش این امکان را به دولت‌های حاضر در منطقه گسترده حتی به وسعت یک قاره می‌دهد که از منابع مادی و معنوی خود با همکاری مشترک بطور مطلوب بهره ببرند. (زارعی و همکاران، ۱۳۹۸:۷۴۴)

آتلانتیک‌گرایی در برابر مدیترانه‌گرایی

آتلانتیک‌گرایی را می‌توان مجموعه‌ای از سیاست‌های امنیتی که بر مبنای موقعیت جغرافیایی و گذشته تاریخی با آمریکا در کنار داشتن دیدگاهی مبهم در قبال همگرایی اروپایی دانست. در تقسیم بندی جغرافیایی آتلانتیک‌گرایی در برابر «باشگاه مدیترانه‌ای‌ها»^{۱۱}

برگزیت و «روابط خاص» در پرتو ایده بریتانیای جهانی / قدرت دوست‌نخچی، ذاکریان امیری و احمدی

قرار دارد که شامل اسپانیا، پرتغال و ایتالیا هستند و در تقسیم بندی دیگر «باشگاه شمالغربی‌ها» که شامل آمریکا، کانادا، بریتانیا، دانمارک، نروژ و هلند می‌باشند. (Norwegian Institute for International Affairs, 2009:11-14) در تعریفی دیگر آتلانتیک‌گرایی میراث مشترک و آینده مشترک همه کشورهای است که در کرانه شمالی اقیانوس آتلانتیک قرار دارند. (Hodge, 2004:2) در این بین دو طرز تفکر نیز وجود دارد که یکی آتلانتیکی به رهبری انگلیس و ناظر به در هم تنیدگی سیاسی - امنیتی با ایالات متحده البته در چارچوب ناتو است و در مقابل تفکر اروپایی که در راس آنها فرانسه قرار دارد و ایجاد ارتش واحد اروپایی و استقلال دفاعی - امنیتی از آمریکا را در سر دارد. (حاتم زاده و نورعلی وند، ۱۳۹۷:۱۶۶)

بطور مشخص کشورهای اروپایی عضو ناتو که خواستار حضور پررنگ آمریکا در مسایل امنیتی اروپا هستند را در زمره آتلانتیک‌گرایان قرار می‌دهند. از سال ۱۹۴۵ جایگاه آمریکا در مناسبات امنیتی و دفاعی اروپا ارتقا یافت و این باعث نزدیکی دیدگاه‌های برخی کشورهای اروپایی به آمریکا شد. وجود تهدید امنیتی از سوی اتحاد جماهیر شوروی سابق و داشتن دیدگاه‌های مشترک لیبرالی عمده ترین دلایل نزدیکی آنها بود. سه کشور بریتانیا، دانمارک و نروژ اصلی ترین آتلانتیک‌گرایان در اروپا هستند. هر سه کشور با دیده تردید به همگرایی اروپایی می‌نگرند و از حضور در ناتو به دلیل نزدیکی به آمریکا حمایت می‌کنند. موقعیت جزیره‌ای و برتری دریایی و هوایی بریتانیا باعث شده بود در طول جنگ جهانی دوم آسیبی کمتر ببیند و بیشتر مورد توجه آمریکا باشد. نروژ هم مرز با اتحادیه جماهیر شوروی سابق بود و در کناره اقیانوس آتلانتیک قرار داشت. دانمارک مرز کوهستانی ندارد و این آسیب پذیری این کشور در برابر تهاجم خارجی را بالا می‌برد لذا در خلال جنگ سرد حضور در ناتو و پس از آن رابطه نزدیک با آمریکا اولویت آن کشور بود.

پایان جنگ جهانی دوم و اجرای طرح مارشال سرمایه آمریکا را به اروپا سرازیر تا بازسازی انجام گیرد و اینک علاوه بر ناتو به عنوان بازوی نظامی، بازوی اقتصادی آمریکا بیش از قبل در اروپا فعال گردد. اما باید توجه داشت که اولویت‌های اروپا و آمریکا یکی نبود؛ آمریکا به دنبال رهبری جهان بود و اروپائیان در صدد وحدت منطقه ای. (Daalder, 2003: 149) با تصویب پیمان ماستریخت و اتخاذ سیاست خارجی و امنیتی مشترک و سیاست دفاعی و امنیتی اروپا، اروپا به دنبال جدایی از آمریکا در مسایل امنیتی و دفاعی بود. (حاتم

زاده و نورعلی وند، ۱۳۹۷:۱۶۳) با فروپاشی شوروی و برداشته شدن تهدید امنیتی از آمریکا و اروپا آنها با بازتعریف ماموریت ناتو همچنان دو طرف به همکاری با یکدیگر ادامه دادند. محور پاریس-برلین درصدد بود که بتواند بلوکی مستقل از آمریکا شکل دهد اما هربار انگلستان مانع این اقدام می‌شد. آنها معتقد به تقویت نظامی اروپا و پشتیبانی‌های امنیتی ناتو بودند (حاتم زاده و نورعلی وند، ۱۳۹۷:۱۶۷).

تا زمان روی کار آمدن جرج بوش و حمله به عراق روابط آمریکا و اروپا در یک مسیر قرار داشت. اما سال ۲۰۰۳ نقطه عطفی در روابط بود به گونه‌ای که نومحافظه‌کاران کاخ سفید اروپا را به اروپای قدیم و جدید تقسیم کردند. هنری کیسینجر معتقد بود که مساله عراق عمیق‌ترین بحران در روابط اتحاد آتلانتیک در ۵ دهه گذشته بوده است. (Kissinger, 2003) تونی بلر نخست‌وزیر سابق بریتانیا از حزب کارگر که همراه اصلی بوش در حمله به عراق بود با اذعان به برتری آمریکا در همه ابعاد اعلام داشت که تجربه بحران‌های مالی، مقابله با تغییرات اقلیمی، تروریسم بین‌المللی، مقابله با اشاعه تسلیحات کشتار جمعی و تجارت جهانی نشان داده که در همه ابعاد به هم وابسته و در هم تنیده هستیم. (Blair, 2001) بر خلاف وی گرهارد شرودر صدراعظم سابق آلمان که در کنار فرانسه اصلی‌ترین مخالف حمله و همراهی در جنگ با عراق بود، با استفاده از مخالفت خود توانست در سپتامبر ۲۰۰۲ مجدداً صدراعظم شود و دونالد رامسفلد وزیر دفاع سابق آمریکا آلمان را به دلیل مخالفت‌ها و عدم همراهی‌اش همچون کوبا و لیبی می‌دانست. (Washington post, 2003)

با آمدن باراک اوباما و تغییر رویکرد و توجه به چندجانبه‌گرایی فرصتی برای همکاری بیشتر پیش آمد. افزایش حجم روابط اقتصادی همکاری‌های دو طرف را در زمینه‌های بین‌المللی به دنبال داشت. عملیات مشترک در لیبی و اتخاذ تصمیم واحد در قبال تحولات موسوم به بهار عربی موید این موضوع است. اما با حضور ترامپ و در پی آن برگزیت چشم انداز روابط تیره و تار شد.

رابطه خاص و روابط فرآتلانتیک

رابطه آمریکا و انگلستان ذیل عنوان «روابط خاص» دسته‌بندی می‌شود. نقطه آغاز این روابط به نطق معروف وینستون چرچیل در فونتن بلو در ایالت میسوری آمریکا باز می‌گردد. چرچیل بر این باور بود که زبان در کنار فرهنگ مشترک باعث نزدیکی دو کشور می‌شود. انگلستان بیشتر از آمریکا نگران گسترش تفکرات کمونیستی در اروپا بود؛ بعلاوه از آنجائیکه در جنگ جهانی دوم قدرت بریتانیا از بین رفته بود و

برگزیت و «روابط خاص» در پرتو ایده بریتانیای جهانی / قدر دوست نخ چی، ذاکریان امیری و احمدی

از طرفی مسابقه تسلیحاتی بین آمریکا و شوروی تشدید می‌شد، لندن گزینه‌ای بجز قبول برتری ایالات متحده نداشت و به عبارتی دیگر می‌توان رابطه خاص را ابزار دیپلماسی برای بارکشیدن از یک قدرت جدید، بی تجربه و عظیم در جهت تحقق اهداف و آمال بریتانیا دانست. (<https://moussavizadeh.com>)

ماهیت روابط میان آمریکا و اروپا، به مساله هویت اروپا بویژه در عرصه بین‌المللی مربوط است. هویت سیاسی اروپا، متضمن تفاهم میان اروپائیان پیرامون نقشی است که اتحادیه اروپا در صحنه بین‌المللی ایفا می‌کند. از این دیدگاه، اختلاف نظرهای اروپا و آمریکا اهمیتی ویژه می‌یابد. (خالوزاده، ۱۳۹۴: ۱۷۴)

اما نباید فراموش کرد که روابط فرآتلانتیکی در کنار همگرایی در قالب اتحادیه اروپایی همچنان جزو ستون‌های اصلی سیاست خارجی کشورهای اروپایی است. در دوران جنگ سرد آمریکا و اروپا در مورد ماهیت تهدید اتفاق نظر داشتند و بر این باور بودند که آسیب پذیری یکی معادل آسیب پذیری دیگری است و دفاع از اروپای غربی به معنای دفاع از آمریکا بود و برعکس. (خضری، ۱۳۸۸: ۴۶۰)

از منظر لندن، چند جانبه‌گرایی شیوه‌ای مفید برای حل و فصل مشکلات جهانی است و تا بدانجا که ممکن است باید بکار گرفته شود. لذا با در نظر داشتن تبعات جنگ سرد و صدمات اقتصادی فراوانی که رویارویی دو ابرقدرت گریبانگیر انگلستان کرده بود، آن کشور به دنبال گونه‌های متنوع از همکاری‌های بین‌المللی است. انگلستان همکاری‌ها را در چارچوب سازمان ملل متحد، ناتو، اروپا و از همه مهمتر «رابطه خاص» می‌بیند. از نظر انگلستان، ایالات متحده آمریکا قدرت غیرقابل اجتنابی است که جامعه جهانی نمی‌تواند بدون آن رویکردی چندجانبه در قبال مسائل جهانی داشته باشد. اتحاد با آمریکا به عنوان کانال اصلی جهت تصمیم‌سازی سیاسی در واشنگتن و افزایش قدرت انگلیس قلمداد می‌شود. (Krause, 2016)

برگزیت و بریتانیای جهانی

همه‌پرسی برگزیت، یکی از تاثیرگذارترین رفراندوم‌ها در تاریخ اتحادیه اروپا بوده است. علیرغم تلاش‌های چندین ساله صورت گرفته در خصوص همگرایی و ایجاد اروپای واحد، رای ۵۲ درصدی مردم بریتانیا نشان داد که هنوز ایده همگرایی به درستی شکل نگرفته و گذشته امپریالیستی بریتانیا در ذهن رای دهندگان غالب است.

تا پیش از برگزیت ۳ ستون سیاست خارجی عبارت بودند از آتلانتیک‌گرایی، رهبری اروپا و چندجانبه‌گرایی. از منظر بریتانیا به عنوان کشوری با قدرت متوسط و اهداف جهانی، چندجانبه‌گرایی و توجه به نظم‌های جهانی بهترین راه برای پیشبرد اهداف بریتانیاست. اما پس از برگزیت هرکدام از ستون‌ها دستخوش چالش شده است؛ نخست برگزیت به خروج انگلستان از برنامه دفاعی و امنیتی مشترک انجامید، دیگر آنکه اقدامات چین و روسیه و یا آمریکا نظم جهانی را به کلی دگرگون کرده است و حضور

ترامپ روابط فرآتلانتیک را به ملی‌گرایی کشانده است. (Whineray, 2020)

رای گروه‌های سنی حاکی از آن است که افراد میانسال، بر خلاف جوانان تمایل بیشتری به خروج از اتحادیه داشتند. به باور قشر میانسال مواردی نظیر افزایش آمار مهاجران در کنار تبعات مهاجرت‌ها باعث بی‌ثباتی و افزایش ناامنی در جامعه می‌شود و به آرامش و ثبات و سکون آنها لطمه می‌زند. این رفراندوم به وضوح نشان داد که ترکیب جمعیتی بریتانیا پیر است و توان تحمل شرایط نو را ندارد. (آجیلی و فلاحی برزکی، ۹:۱۳۹۶)

برگزیت فاصله بین نسل‌ها را افزایش داده که این موضوع در پویش‌های پسابرگزیت هم تأثیر گذار خواهد بود. برگزیت در درون جامعه انگلستان نیز تغییراتی به دنبال داشته است و اختلافات و شکاف‌هایی را که از قبل در بطن جامعه این کشور وجود داشته عیان‌تر کرده است؛ که این همان شکاف بین قشر تحصیل کرده، متمول و دنیا دیده و قشر فاقد تحصیلات عمدتاً فقیر و کمتر سفر رفته است. همچنین در کنار این شکاف‌ها نباید از برخورد دیدگاه‌های «محافظه کاری پدرسالارانه» و «محافظه کاری نو» غافل شد (مفیدی، ۱۳۹۶)

می‌توان تبعات خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در آشفتنگی در توازن قوا و تضعیف نفوذ اروپا در جهان دانست؛ از میان سه کشور مطرح اروپایی آلمان به حمایت بریتانیا برای بهبود تجارت آزاد نیاز دارد. فرانسه، بریتانیا را به عنوان شریک دفاعی اصلی و وزنه‌ای در برابر نفوذ آلمان می‌داند. لذا بی‌تردید حذف بریتانیا از این معادله تبعات فراوانی برای آینده توازن قوا در اتحادیه اروپا به دنبال دارد. (Bosoni, 2016)

آینده پرابهام بریتانیای جهانی

نخستین بار ترزا می نخست وزیر وقت انگلستان در گردهمایی حزب محافظه‌کار در اکتبر ۲۰۱۶ ضمن بکاربردن «بریتانیای جهانی» اعلام داشت که بریتانیای جهانی دیدگاه بلند پروازانه بریتانیا پس از برگزیت است. بوریس جانسون وزیر امور خارجه وقت نیز معتقد بود که برگزیت به بریتانیا کمک می‌کند تا «سیاست خارجی جهانی واقعی»^{۱۲} داشته باشد. از جمله این اقدامات افزایش ۱۶,۵ میلیارد پوندی بودجه دفاعی طی ۴ سال است که این میزان بالاترین رقم بودجه دفاعی از زمان جنگ سرد است، بعلاوه تعهدات به ناتو نیز افزایش می‌یابد و بریتانیا نخستین قدرت دریایی در بین کشورهای اروپایی خواهد بود. بریتانیا برای نخستین بار پس از خروج میزبان سران کشورهای گروه ۷ بود همچنین در پاییز ۲۰۲۱ کنفرانسی جهانی با موضوع محیط زیست در اسکاتلند برگزار شد تا نشان دهد که جایگاه بریتانیا در بین کشورها همچنان رفیع است. بعلاوه در ماه فوریه ۲۰۲۱ ریاست دوره‌ای شورای امنیت نیز به بریتانیا رسید

برگزیت و «روابط خاص» در بر توایده بریتانیای جهانی / قدر دوست نخچی، ذاکریان امیری و احمدی

تا پیش از هر زمان دیگری فرصت تحقق ایده بریتانیای جهانی را داشته باشد. (Hammond, 2020) بعلاوه در ماه ژوئن با توجه به همه‌گیری کرونا، میزبان سران کشورها در زمینه واکسیناسیون بود تا نشان دهد در همه زمینه‌ها فعال است. (D. Raab, 26.12.2020)

دومینیک راب وزیر خارجه بریتانیا در فوریه ۲۰۲۰ اعلام کرد که بریتانیای جهانی سه ستون دارد. ستون نخست ادامه نشان دادن این موضوع است که بریتانیا بهترین متحد ممکن، شریک و دوست با همسایگان اروپایی است. دوم نقش بریتانیا به عنوان قهرمان پرانرژی و پراگیزه تجارت آزاد است و سوم تقویت بریتانیا در جهان است. (House of Commons Library, 2021) این نشان می‌دهد که اگرچه بریتانیا خود را از اروپا جدا شده می‌بیند اما همچنان سیاست‌هایش را با نگاه به آنها دنبال می‌کند. بعلاوه به دلیل نگرش و دیدگاه بریتانیایی‌ها که مردمی تاجر مسلک هستند، تجارت و داد و ستد در دوران پس از برگزیت برای آنها حایز اهمیت است.

با این حال بررسی کمیته سیاست خارجی پارلمان انگلستان در سال ۲۰۱۸ معتقد است که تحقیق و گفتگو با طراحان و ایده‌پردازان نشان می‌دهد که بریتانیای جهانی موضوعی نامشخص است و کسی نمی‌داند شامل چه مواردی می‌شود و ابزار تحقق آن چیست. (publications.parliament.uk, 2018) اقدام بریتانیا در اعمال تحریم بر علیه الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهور بلاروس، پیش از اعمال تحریم‌های اروپایی حاکی از آن است که بریتانیا اکنون خود را در جایگاهی بالاتر از قبل می‌بیند بعلاوه بریتانیا می‌داند که از این پس به عنوان یکی از اعضای اصلی شورای امنیت سازمان ملل متحد نمی‌تواند مسائل جهانی را به دلیل عدم توجه اروپائیان کم اهمیت قلمداد کند. (Niblet, 2021: 64)

پس از فراندوم مقامات بریتانیا معتقد بودند که رای به خروج مردم از اتحادیه اروپا، حمایت از نگاه انترناسیونالیستی و برون‌گرای بریتانیا است. جانسون در سخنرانی در اندیشکده چتم هاوس در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که بریتانیا اکنون کنترل امور خود را به دست گرفته است، بریتانیا دیگر کشوری نیست که مجری سیاست‌های دیگران باشد. (Johnson Speech at Chatham House) بریتانیا برای موفقیت در این ایده نخست به کمک ژاپن نیاز دارد. ژاپن نخستین کشوری بود که معاهده تجارت آزاد با بریتانیا پس از برگزیت را پیشنهاد داد. بعلاوه توکیو تمایل دارد که بریتانیا به جای آمریکا در توافقنامه تجارت ترانس-پاسفیک حضور داشته باشد. دوم آنکه برای طرفداران برگزیت اتحاد با استرالیا نیز بسیار حایز اهمیت است به گونه‌ای که برخی ایده تشکیل اتحادیه کنزوک (CANZUK)^{۱۳} را مطرح کرده‌اند ایده‌ای که به دلیل فاصله جغرافیایی عملاً غیر ممکن است.

بسیاری بر این باورند که طرح بریتانیای جهانی این امکان را به بریتانیا می‌دهد تا در کنار «دوستان

قدیمی، متحدانی جدید»^{۱۴} در جهان برای خود بیابد. در این طرح اتحادیه اروپا به عنوان رقیبی نه در اروپا که در سطح جهان برای بریتانیا به شمار می‌آید. از نظر این طرح، برگزیت نه تغییر مسیر که تغییر راهبردها است. (Oliver Daddow, London School of Economy, 2019)

ترزا می در سخنانی که در لنکستر هاوس در ۲۰۱۷ اعلام کرد که «دوستان قدیمی و متحدان جدید» به معنی حفظ ارتباط با دوستان قدیمی و یافتن متحدانی جدید است. علاوه بر نگاه به اروپا در نگرش بریتانیای جهانی، جایگاه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی در کنار منابع عظیم نفتی نیز برای بریتانیا به خصوص در پسابگزیت بسیار پر اهمیت است. در این بین موقعیت و جایگاه ایران در بین سایر کشورهای منطقه ویژه است. ایران نه تنها پرجمعیت‌ترین کشور منطقه، که نیمی از جمعیت این منطقه را در خود جای داده است. موقعیت سوق‌الجیشی و اتصال آن به زیر سیستم‌های امنیتی از قفقاز تا شبه قاره هند در کنار تاثیرات و نفوذ بی‌بدیل فرهنگی باعث شده که توجه به ایران در کانون توجهات باشد. ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب خاورمیانه است. پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و هم چنین قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب تاثیرگذاری بالقوه هرچه بیشتر در منطقه حتی تحولات جهانی شده است. (ضرغامی خسروی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۵)

لندن با توجه به ظرفیت‌های ایران و امکان توسعه روابط تجاری با تهران، آن را به عنوان بخشی از استراتژی پسابگزیتی خود در زمره طرف‌های مهم برای روابط تجاری با خود قرار داده است. (Erdbrink-Krauss, 2016)

برای بریتانیا حفظ و گسترش موقعیت شهر لندن بخصوص سیتی که قلب تجاری و مالی آن است اهمیت فراوانی دارد. از آنجائیکه حجم عمده‌ای از مبادلات و تجاری در اروپا و جهان در لندن انجام می‌شود، بریتانیا در تلاش است تا تجارت و سرمایه‌گذاری داخلی را فراتر از اتحادیه گسترش دهد و موقعیت لندن را در جهان حفظ کند. (محمدیان و نقیب زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۱)

چیزی که بیش از هر چیز به گسترش نفوذ بریتانیا در جهان کمک کرده است، جایگاه بریتانیا به مثابه متحد اصلی آمریکا است. این دو کشور آنگلو ساکسون در موضوعاتی نظیر تحرکات روسیه، بحران اوکراین، اقدامات گروه‌های تروریستی در سراسر جهان و روند صلح خاورمیانه اشتراک نظرهای فراوانی دارند و بریتانیا در صدد است تا بیش از پیش مواضعش را در سازمان ملل متحد، پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، گروه ۷، ۸ و ۲۰ به ایالات متحده آمریکا نزدیک کند. (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۷۸) از نظر بریتانیا چندان‌جانبه‌گرایی، استفاده از قدرت نرم و حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی برای پیشبرد اهداف مهم

برگزیت و «روابط خاص» در پرتو ابده بریتانیای جهانی / قدر دوست نخچی، ذاکریان امیری و احمدی

است. بریتانیا تلاش دارد تا با توجه به قدرت نقش آفرینی آمریکا در این سازمان‌ها (به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد و ناتو) و در پرتو هژمونی انگلوآمریکایی قدرت خود را در سازمان‌های بین‌المللی بالا ببرد. (محمدیان و نقیب زاده، ۱۳۹۷: ۹۴)

دومینیک راب معتقد است بریتانیا همچنان به حمایت از جوامع آزاد ادامه خواهد داد، تجارت جهانی را حمایت خواهد کرد و از همه ارزش‌هایی که به دست آورده ایم در کنار آمریکا دفاع می‌کنیم. (D. Rabb, 26.12.2020)

در عین حال آمریکا با حمایت از افزایش حضور بریتانیا به کشورهای همسو در منطقه اطمینان می‌دهد که با بریتانیا در قبال امنیت دوستان خاورمیانه‌ای خود احساس مسئولیت می‌کند. حضور گسترده بریتانیا در خلیج فارس با تکیه بر سیاست‌های پاسیفیکی و تلاش‌های ویژه آمریکا صورت خواهد گرفت و لندن را در جهتی سوق خواهد داد تا با بازگشت به خلیج فارس به عنوان یک هم‌پیمان همیشگی واشنگتن درصدد پر کردن غیبت ایالات متحده آمریکا در تأمین امنیت این منطقه برآید. بررسی روابط دو کشور نشان می‌دهد که بریتانیا در پی تداوم روابط ویژه خود با ایالات متحده آمریکا در همه زمینه‌ها و عرصه‌ها خواهد بود، زیرا قادر نیست بدون تداوم رابطه ویژه با آمریکا به نفوذ خود در خلیج فارس ادامه دهد؛ بنابراین تصمیمی برای رقابت با ایالات متحده به ویژه در خلیج فارس نخواهد داشت و تلاش می‌کند تا نقش مکمل آن را حداقل در کوتاه مدت ایفا کند. بریتانیا علاوه بر دنبال کردن برنامه‌ها، استراتژی‌ها و اهداف پس‌برگزیتی خود در خلیج فارس درصدد خواهد بود تا همسویی خود را با آمریکا تداوم و شدت بخشد و همکاری دو طرف در این منطقه نقطه عطفی برای تداوم روابط ویژه و همسویی در سایر عرصه‌ها باشد. (محمدیان و نقیب زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۰) بعلاوه باید در نظر داشت سیاست‌های بریتانیا در خلیج فارس همواره در راستای تضعیف ایران به عنوان قدرت بزرگ منطقه و شکل دهی به واحدهای سیاسی کوچکتر و وفادارتر برای تضعیف جمهوری اسلامی بوده است. (Hunter, 2017: 21) استمرار و ادامه چنین سیاست‌هایی از سوی برخی قدرت‌های نظام بین‌الملل به خوبی در دوران قاجار، پهلوی اول و دوم و همچنین جمهوری اسلامی قابل پیگیری و تحلیل است. (مسعود و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹)

تجربه دو دهه اخیر نشان داده است که در زمان‌هایی که شکاف‌هایی بین آمریکا و اتحادیه اروپا وجود داشته، ایران فرصت راحت‌تری برای پیگیری منافع خود داشته است و این درحالی است که نزدیکی آن دو چالشی اساسی برای ایران بوجود آورده است. (Shelala et al, 2013: 3) در چنین شرایطی رویکرد مطلوب برای ایران تعمیق روابط و همکاری‌ها با اروپا است (حاتم زاده و نورعلی وند، ۱۳۹۷: ۱۸۱)

نتیجه گیری

خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا نه تنها بر آن کشور که به سایر کشورها نیز کم و بیش اثرگذار است. شدت این اثرگذاری به میزان ارتباط بریتانیا با آن کشورها بستگی دارد. از آنجائیکه بریتانیا بیش از آنکه به دنبال اهداف خود که عمدتاً اهدافی اقتصادی است از طریق اتحادیه اروپا باشد، بیشتر تمایل دارد که منافع خود را از طریق ایالات متحده آمریکا دنبال کند. بعلاوه این خروج به دلیل جایگاه بریتانیا به عنوان یکی از اعضای دایم شورای امنیت، یکی از اعضای ناتو، یکی از اصلی ترین اقتصادهای اروپایی حایز اهمیت است. بریتانیا در دوران پسابرگزیت به دنبال آن است که با همکاری آمریکا بتواند جایگاه خود را در جهان باز یابد. برای این منظور ایده بریتانیای جهانی مطرح شده است تا آن کشور جایگاه سابق خود را باز یابد. هرچند عمده دلیل پیوستن بریتانیا به اتحادیه اروپا در وهله اول به حداکثر رساندن منافع اقتصادی خود بوده، اما اینک با تکیه بر بریتانیای جهانی به دنبال به حداکثر رساندن منافعش در پرتو روابط خاص با ایالات متحده آمریکا به عنوان دو کشور آنگلو ساکسون است. انگلستان در صدد است که خلا ناشی از خروج آمریکا از خاورمیانه را بتواند جبران کند. نزدیکی انگلستان و آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران تبعات فراوانی به دنبال داشته است. اینک و در نبود انگلستان در بین کشورهای اتحادیه اروپا ایران امیدوار است که بتواند از این فرصت برای نزدیکی بیشتر با طرفهای اروپایی استفاده کند. برگزیت اینک به عنوان نقطه عطفی در تاریخ همگرایی اروپا مطرح است نقطه عطفی که تفکرات ناسیونالیستی و محافظه کاری بیش از قبل برجسته شده است. توانایی بریتانیا در راهبری سیاست خارجی اروپا به توانایی آن کشور در انتخاب جایگاهی استراتژیک میان آمریکا و اروپا بستگی دارد.

برگزیت و «روابط خاص» در پرتو ایده بریتانیای جهانی / قدر دوست نخچی، ذاکریان امیری و احمدی

منابع

- ۱) ابوالحسن شیرازی، حبیب اله. (۱۳۹۶). برگزیت و پیامدهای حقوقی، ژئوپلیتیکی و سیاسی-امنیتی آن. سیاست جهانی ۱۸۵-۱۵۷، (۴) ۶.
- ۲) اعظمی، هادی، زرقانی، سیدهادی، دبیری، علی اکبر، (۱۳۹۱)، تحلیل اولویت های منطقه ای و دیدگاه های ژئوپلیتیک در شکل دهی به سازمان های منطقه ای (نمونه موردی: سازمان همکاری شانگهای)، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۲۵-۲ سال اول، شماره ۱.
- ۳) آجیلی، هادی، فلاحی برزکی، مهرداد. (۱۳۹۶)، برگزیت و پیامدهای سیاسی-اقتصادی آن فصلنامه پژوهش های سیاسی و بین الملل، ۳۳-۱ شماره ۳۲، دوره ۸.
- ۴) حاتم زاده، عزیزاله، نورعلیوند، یاسر، (۱۳۹۷)، روابط فرآتلانتیک پس از برگزیت و ترامپ؛ پیامدها برای ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۸۴-۱۶۱ سال ۲۱، شماره ۳.
- ۵) خالوزاده، سعید، (۱۳۹۴)، اتحادیه اروپایی، انتشارات سمت، چاپ ششم، تهران.
- ۶) خضری، رویا. (۱۳۸۸)، سیاست اروپا در قبال نقش آمریکا در چارچوب مناسبات فرآتلانتیک: هژمون لیبرال یا امپریالیستی. فصلنامه سیاست خارجی، ۴۷۴-۴۴۹، (۲) ۲۳.
- ۷) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۸). تحول در نظریه های منطقه گرایی. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۲(۵)، ۹۹-۱۱۶.
- ۸) ذاکریان، مهدی، (۱۳۷۸) فرآیند اتحادیه اروپا، فصلنامه پژوهشی دین و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) ۱۰۴-۸۷ شماره ۵۳.
- ۹) ذوالفقاری، وحید. (۱۳۹۵). رفتارشناسی رأی دهی بریتانیا در شورای امنیت سازمان ملل متحد. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی ۱۸۲-۱۶۵ (۲۱) ۶.
- ۱۰) زارعی، بهادر، دلشاد زاد، جلیل، موسوی شهیدی، سید مهدی، علوی، سید محمود. (۱۳۹۴). منطقه گرایی و چالش های آن در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران پژوهش های جغرافیای انسانی، ۷۵۸-۷۴۳، (۴) ۴۷.
- ۱۱) سیمبر، رضا. (۱۳۸۸). ایران و منطقه گرایی در آسیای جنوب غربی: راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی ایران. پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، جدید(۵)، ۱۱۳-۱۲۸.
- ۱۲) صابری، فاطمه، (۱۳۹۴)، همگرایی از منظر تاریخی و بررسی ریشه های این مکتب از دیدگاه متفکرین کلاسیک، ماهنامه پژوهش بین الملل، ۱۸-۱۴ دوره اول، شماره سوم.

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

- ۱۳) ضرغامی خسروی، سمیرا، ذاکریان، مهدی، برزگر، کیهان، کاظمی زند، سیدعلی اصغر. (۱۳۹۹). تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل فصلنامه مطالعات بین‌المللی ۸۶-۶۷ (۴) ۱۶.
- ۱۴) عباسی اشلقی، مجید. (۱۳۸۸)، مطالعه نظری سیاست خارجی دوجانبه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج) ۲۶۶-۲۳۵، شماره ۸.
- ۱۵) قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۹۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم، تهران.
- ۱۶) محمدیان، علی، نقیب زاده، احمد. (۱۳۹۷). سیاست خاورمیانه‌ای بریتانیا در دوره پسابریگزیت مطالعه موردی: خلیج فارس. فصلنامه روابط خارجی ۱۴۱-۱۰۱، (۴) ۱۰.
- ۱۷) مسعود، علیرضا، ذاکریان، مهدی، قوام، عبدالعلی، احمدی، حمید. (۱۳۹۹). بازنمود استمرار فرهنگ راهبردی ایران در ساخت و بنیان سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی. فصلنامه مطالعات بین‌المللی ۱۱۴-۹۷، (۲) ۱۷.
- ۱۸) مشیرزاده، حمیرا و همویی، فاطمه (۱۳۹۱)، گفتمان سیاست اروپایی بریتانیایی تحلیلی استعاره‌ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۳۹-۱ شماره ۱۲.
- ۱۹) موسوی، سید محمد علی (۱۳۸۸)، جهانی شدن و منطقه‌گرایی: انفکاک یا همگرایی؟، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱۳۸-۱۱۹، سال اول، شماره ۳.
- ۲۰) مفیدی، احمد قابل دسترسی در <https://www.iribnews.ir/fa/news/1823674/>
- 21) A Star With Too Many Points? Available on <https://www.washingtonpost.com/archive/politics/2003/02/15/a-star-with-too-many-points/b42ab855-f248-4b04-bf8b-b3a7b0f4db90/>
- 22) Beyond Brexit: a Global Britain, Boris Johnson Speech at Chatham House, (2016) available on: <https://www.gov.uk/government/speeches/beyond-brexit-a-global-britain>
- 23) Bosoni, A., (2016) How a Brexit Would Undermine Europe's Balance of Power, available on: <https://worldview.stratfor.com/article/how-brexit-would-undermine-europes-balance-power>
- 24) Daalder, Ivo h., (2003), The End of Atlanticism, The International Institute for Strategic Studies, Vol. 45, No.2, pp 147-166
- 25) Daddow, O. (2019) The real meaning of 'Global Britain': a Great Escape from the EU, available on: <https://blogs.lse.ac.uk/brexit/2019/04/04/the-real-meaning-of-global-britain-a-great-escape-from-the-eu/>
- 26) Erdbrink, T. & Krauss C., (2016) Iran Race to Clinch Oil Deals Before Donald Trump Takes Office, New York Times, December 8, 2016 available on:

برگزیت و «روابط خاص» در بر توایده بریتانیای جهانی / قدر دوست نخچی، ذاکریان امیری و احمدی

<https://www.nytimes.com/2016/12/08/world/middleeast/iran-oil-sanctions-trump.html>

- 27) Hammond, A., (2020) available on: <https://www.arabnews.com/node/1782266>
- 28) Henry A. Kissinger, Role Reversal and Alliance Realities, Washington Post, 10 February 2003
- 29) Hodge, Carl Cavanagh (2004), Atlanticism for a New Century: The Rise, Triumph, and Decline of NATO, Pearson
- 30) House of commons library, (2021) available on: https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cdp-2021-0002/#_ftn2
- 31) <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/RL/RL33105>
- 32) <https://www.conservatives.com/news/uk-eu-trade-deal-secured>
- 33) Hunter, Sh. (2017). Iran's Policy Toward the Persian Gulf: Dynamics of Continuity and Change. In Bahgat, G., Ehteshami, A., Quillian, N. (eds): Security and Bilateral Issues Between Iran and its Arab Neighbors, London: Palgrave Macmillan.
- 34) Norwegian Institute of International Affairs, (2009) The revival of Atlanticism in NATO, available at http://www.ifpa.org/confncNworkshp/confncNworkshpPages/nsc_march2010/PDF2.pdf
- 35) Publication of Parliament available on: <https://publications.parliament.uk/pa/cm201719/cmselect/cmfaff/780/78005.htm>
- 36) R, Niblet, (2021) Global Britain, Global Broker, available on: <https://www.chathamhouse.org/2021/01/global-britain-global-broker>
- 37) Raab, D., (2020) available on: <https://www.washingtonpost.com/opinions/2020/12/26/uk-eu-brexite-deal-trade-dominic-raab/>
- 38) Shelala II, R. Fite, B. and Kasting N., (2013) US and Iranian Strategic Competition: The Impact of the EU, EU3, and Non-EU European States, available on <https://www.csis.org/analysis/us-and-iranian-strategic-competition-impact-eu-eu3-and-non-eu-european-states>
- 39) Tony Blair, Building an International Community, Address to the Labour Party Conference, 2 October 2001
- 40) Whineray, David, (2020), How Britain Can Shape Europe's Foreign Policy After Brexit?, Carnegie Endowment for Peace

- 1 UKIP (United Kingdom Independent Party)
2. Special Relations
3. Will Podmore
4. The Road to Freedom
3. Harold D. Clarke, Matthew J. Goodwin, Matthew Goodwin, Paul Whiteley
4. Brexit: Why Britain Voted to Leave the European Union
5. Transatlantic Relations: Converging or Diverging?
7. Rebecca Adler-Nissen , Charlotte Galpin, Ben Rosamond
8. Performing Brexit: How a post-Brexit World is Imagined outside the UK
9. Global Britain
- 11 Club Med
- 12 Truly Global Foreign Policy
- ۱۳ به کشورهای کانادا، استرالیا، نیوزیلند و بریتانیا در اصطلاح کنزوک می گویند که بر گرفته از ابتدای نام این کشورهاست.
- 14 Old Friends and New Allies